

## مردی که پس از 11 ساعت شکنجه همسرش را به قتل رسانده بود از قصاص نجات یافت



عکس: قانون

مرد جنایتکاری که همسرش را پس از 11 ساعت شکنجه به قتل رسانده بود با رضایت اولیای دم از قصاص با چوبه دار نجات پیدا کرد.

داستان این جنایت هولناک سحرگاه ۷۲ مهرماه سال ۷۸ با کشف جسد یک زن جوان در خیابان مفتاح آغاز شد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد که زن جوان مرگ دردناکی داشته و به شدت مورد شکنجه قرار گرفته است. گزارش پزشکی قانونی علت مرگ را شوک ناشی از اصابت ضربات سخت به نقاط مختلف بدن اعلام کرد. پس از گذشت مدتی زن جوان از سوی خانواده اش شناسایی شد. بر اساس گفته خانواده زن جوان، مقتول که مهدیه نام داشت با مردی به نام صابر ازدواج می کند اما بعد از مدتی به خاطر اختلافی که با هم داشتند از هم جدا می شوند و مدتی بعد دوباره ازدواج می کنند.

زمانی که صابر برای بازجویی دستگیر شد به قتل همسرش مهدیه اعتراف کرد. با اعتراف صابر پرونده تکمیل و برای رسیدگی به شعبه 113 دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. اسفندماه سال 88 در جلسه رسیدگی به این پرونده صابر درباره روز حادثه گفت: «آن روز با هم جروبحث کردیم و من آنقدر عصبانی شده بودم که نتوانستم خودم را کنترل کنم. سیم تلفن را برداشتم و دور گردن همسرم پیچیدم و آنقدر فشار دادم که او خفه شد. بعد از آن هم جسد را در صندوق ماشینم گذاشتم و آن را در خیابان مفتاح رها کردم. بعد از مدتی هم دستگیر شدم.» پس از پایان جلسه هیئت قضاوت وارد شور شدند و برای صابر به اتهام قتل نفس حکم قصاص صادر کردند. قرار بود صابر پس از تایید حکم قصاصش در شعبه 11 دیوان به زودی اعدام شود اما پس از رضایت خانواده مهدیه پرونده او بار دیگر به جریان افتاد و این بار از جنبه عمومی جرم رسیدگی شد.

صبح دیروز در شعبه 113 در جلسه ای به ریاست قاضی همتیار و 4 قاضی مستشار صابر در جایگاه قرار گرفت و گفت: «من و همسرم با هم هیچ مشکلی نداشتیم. آن روز من مواد مصرف کرده بودم. قرار بود اسباب کشی کنیم سر همین موضوع با هم بحثمان شد و من چند ضربه به او زدم. اصلاً شکنجه ای در کار نبود و زخم های کف پای او به خاطر کفش تنگی بود که قبل از مرگ به پایش می کرد. بعد از زدن آن ضربه ها او حالش خوب بود اما فردا صبح دیدم که نمی تواند صحبت کند. می خواستم او را به بیمارستان امام سجاد ببرم اما برای آوردن پول او را در ایستگاه اتوبوس خیابان مفتاح گذاشتم. بعد از آنکه برگشتم دیدم نیست و چند روز بعد هم دستگیر شدم.» قضات دادگاه پس از شنیدن اظهارات متهم برای صدور حکم وارد شور شدند.

منبع: <http://goo.gl/GOUfK>